



مجمع گفت‌وگوهای آسیایی در تهران

علی باقری، سرپرست وزارت امور خارجه از برگزاری نشست وزرای خارجه کشورهای مجمع گفت‌وگوی همکاری آسیا (ACD) در تهران خبر داد. وی با بیان اینکه فعالیت وزارت امور خارجه به‌طور جدی ادامه دارد، افزود: «ان‌شاءالله هفته آینده روزهای یکشنبه و دوشنبه سوم و چهارم تیرماه نشست مجمع گفت‌وگوی همکاری آسیا در سطح وزرای خارجه را در تهران و در سطح وزرای خارجه خواهیم داشت.» به گزارش فارس، جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر رئیس این مجمع است. در هجدهمین نشست وزرای خارجه مجمع گفت‌وگوی همکاری آسیا موسوم به ACD در خاشیه‌نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک در ۲۹ شهریور ۱۴۰۲، شهید حسین امیرعبداللهیان به‌عنوان رئیس جدید این مجمع انتخاب شد.



لغو نشست اسرائیل و آمریکا در مورد ایران

براساس گزارش آکسیوس، گفت‌وگوی راهبردی درباره ایران که قرار بود روز پنجشنبه به‌حضور مقام‌های پنتاگون، وزارت خارجه و آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا به همراه هم‌تایان اسرائیلی برگزار شود، لغو شد. به گزارش فارس، طبق این گزارش به نقل از دو مقام آمریکایی، در پی اظهارات نخست‌وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو مبنی بر اینکه آمریکا از ارسال سلاح و مهمات در میانه جنگ در غزه خودداری می‌کند، این نشست از سوی کاخ سفید لغو شد. یک مقام آمریکایی ناشناس به آکسیوس گفت «این تصمیم (آمریکا) نشان می‌دهد که این اقدامات احقانه عواقب دارد». با این حال طبق این گزارش، نشست برنامه‌ریزی شده میان مشاور امنیت داخلی تل‌آویو تاچچی هانگی و هم‌تای آمریکایی وی جیک سالیوان و همچنین سفر هفته آینده وزیر جنگ اسرائیل یوآو گالاتت به ایالات متحده، بدون تغییر انجام خواهد شد.



اهمیت مبارزه با قاچاق سلاح‌های کوچک

امیرسعید ایروانی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد روز سه‌شنبه به‌وقت محلی در چهارمین کنفرانس بازنگاری پیشرفت‌های حاصل در اجرای برنامه اقدام برای جلوگیری، مبارزه و ریشه‌کن کردن تجارت غیرقانونی سلاح‌های کوچک و سبک، با تیریک به ریاست چهارمین کنفرانس بازنگاری و قدردانی از تلاش‌های تیم‌ها و دفتر امور خلع سلاح سازمان ملل در مبارزه با قاچاق، تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران آماده است تا در مسیر دستیابی به یک سند اجماعی از این کنفرانس از رئیس و تیم وی حمایت کند. سفیر ایران در سازمان ملل متحد تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران تعهد خود به اجرای کامل برنامه اقدام سازمان ملل برای تجارت غیرقانونی سلاح‌های کوچک و سبک در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را مجدداً تأیید می‌کند. ایروانی افزود: «ایران به عنوان قربانی تروریست‌های تحت حمایت خارجی و مواجهه مداوم با تهدیدات جنایات سازمان‌یافته و قاچاق مواد مخدر مرتبط با تجارت غیرقانونی سلاح‌های کوچک و سبک، اهمیت زیادی برای این برنامه قائل است.» او گفت که ایران قوانین و سازوکارهای لازم را برای ارائه راهنمایی‌های سیاستی و تسهیل هماهنگی میان نهادهای ملی مرتبط برقرار کرده و پیشرفت‌های قابل‌توجهی در مبارزه با تجارت غیرقانونی سلاح‌های کوچک و سبک و مسائل مرتبط، به‌ویژه قاچاق مواد مخدر، داشته است.

مطرح کردم تعلیق به محال است که آیا جبهه متحد می‌تواند تضمین کند که هرات را نگه دارد، این به این معنا نیست که ما بچه‌های خودمان را بفرستیم و جنگ تمام‌عیار در کشور پدید آید. فضای ذهنی من اصلاً عملیات ورود به خاک کشور دیگر نیست». صحنه جالبی بود. برادرانی که خواستار تصرف هرات بودند، با شنیدن پیام رهبری همگی سکوت اختیار کردند و لذا در پایان جلسه برای رفع کدورت، همدیگر را بوسیدیم و بدین ترتیب، دخالت نظامی منتهی شد.»

هر چند دوران وزارت کمال خرازی اتفاقات متعددی چون حمله آمریکا به افغانستان و عراق روی داد اما همچنان که خرازی عرصه بین‌المللی را به رئیس‌اش، سیدمحمد خاتمی باخته بود، عرصه منطقه را هم به نهادهای دیگر نظام واگذار کرد تا در عمل در پایان دوره او وزارت امور خارجه دایره عمل کوچکتری برای اقدام داشته باشد.

رئیس شورای راهبردی

اما در دور دوم دولت خاتمی او موفق شد بیش از گذشته اعتماد رهبری را جلب کند و با پایان این دولت از سوی رهبری به ریاست شورای راهبردی سیاست خارجی منصوب شد؛ هر چند رئیس جمهور جدید احمدی‌نژاد حاضر نبود با او دیدار کند. یکی از نزدیکان احمدی‌نژاد در پاسخ به درخواست دیدار خرازی به او پیام داد که «هرگاه ماه رمضان پایان یافت و افطاری خوردن‌های خرازی با خاتمی تمام شد، آنگاه می‌توان وقت ملاقاتی برای وی با رئیس جمهور در نظر گرفت.»

موقعیت خرازی در دولت احمدی‌نژاد چندان موثر نبود اما با آغاز دولت حسن روحانی جایگاه او به‌عنوان یکی از مسئولین عالی‌رتبه سیاست خارجی جمهوری اسلامی تثبیت شد و سفرهای گاه و بیگاه او به نمایندگی از نظام آغاز شد. سفرهایی که موجب شائبه‌هایی در مورد نقش و جایگاه وزارت خارجه نیز شد تا جایی که خرازی پس از یکی از همین سفرها، مجبور به موضع‌گیری شد و در این رابطه گفت: «این سفر که با هماهنگی وزارت امور خارجه به منظور برداشت‌های راهبردی از وضعیت این دو کشور انجام گرفت، میزان تأثیرگذاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر منطقه نشان می‌داد. متأسفانه برخی افراد از اخبار این سفر سوءاستفاده کرده؛ این سفر و سفرهای جناب آقای شمخانی، دبیر شورایی امنیت ملی (شمام) را ناهماهنگ با وزارت خارجه تلقی کردند که نشان می‌دهد از برنامه‌های هماهنگ کشورمان در زمینه روابط خارج ناآگاهند. طبیعی است که حل مسائل عالی امنیتی با شمام و پیشنهادهای راهبردی با شورای راهبردی و اجرای سیاست خارجی با وزارت خارجه است که در هماهنگی کامل انجام می‌گیرد. طبعاً اشاعه اینگونه تفسیرهای نادرست به مصلحت روابط خارجی کشور نیست.»

کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، تنها یک هفته پس از حمایت روسیه از مواضع کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و مشخصاً امارات متحده عربی درباره جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس، در دیدار با سفیر ژاپن در تهران، راه حل «اختلاف ارضی ژاپن و روسیه بر سر جزایر چهارگانه اقیانوس آرام» را «مذاکره مستقیم بین دو کشور» دانست. این اقدام متقابل نیز بیانگر آن بود که جمهوری اسلامی تصمیم گرفته در سطحی بالاتر از وزارت امور خارجه به موضع خلاف روسیه پاسخ بدهد و اقدام کمال خرازی پیام نظام جمهوری اسلامی به رهبری روسیه بوده که در روابط خود با ایران توجه بیشتری به خطوط قرمز ایران داشته باشد.

اما جنجال‌ترین موضع اخیر کمال خرازی زمانی بود که از احتمال تجدیدنظر ایران در دکتین هسته‌ای خود گفت. هر چند برخی کشورهای غربی تلاش کردند این سخنان را به معنای تمایل ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای تلقی کنند اما مشخصاً این تغییر می‌تواند شامل طیف گسترده‌ای از اقدامات باشد که لزوماً به معنای حرکت به ساخت سلاح هسته‌ای نیست. کمال خرازی با بیان اینکه ایران آمادگی دارد از همه نظرها به همه کشورهای منطقه کمک کند، اظهار داشت: «اگر اسرائیل تهدید کند طبیعتاً کشورها جسارت و تهدید کند ما ممکن است در دکتین هسته‌ای خود تجدیدنظر کنیم. آمریکایی‌ها واکنش نشان دادند و همان حرف‌های خودشان را زدند. ما اولاً خواهان سلاح هسته‌ای نیستیم و فتوای رهبری بر این اساس است. اما اگر دشمن شما را تهدید کند باید چه کار کرد؟»

خرازی در میان سیاستمداران ایرانی، شاید ساکت‌ترین و گزیده‌گوترین شخصیت باشد؛ به عبارت بهتر، خرازی به ندرت در محافل ظاهر می‌شود و در همان معدود حضور خود هم سعی می‌کند از مصاحبه و رویارویی با خبرنگاران دوری کند. از طرفی خرازی با سابقه سال‌ها سکانداری دستگاه سیاست خارجی ایران، کامل بار حقوقی و سیاسی کلمات را می‌داند و به همین دلیل، اظهارات او متفاوت با سخنانی است که گاه و بیگاه توسط برخی نمایندگان مجلس یا فعالان سیاسی مطرح می‌شود و دست آخر انتساب خرازی به رهبری، دیگر عامل مهمی است که سخنان او را مهم جلوه می‌دهد. همچنین نباید فراموش کرد که خرازی از تیرماه ۱۳۸۵ با روابط مستقیم رهبر انقلاب با سمت رئیس شورای راهبردی روابط خارجی مشغول فعالیت است؛ شورایی که محل تصمیم‌سازی‌های کلان در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی به‌شمار می‌رود.

من موضع سیاسی آن‌ها نبود، بلکه توانایی و کارایی آن‌ها ملاک بود و به همین دلیل از هر دو جناح انتخاب کرده بودم. از جمله موارد دل‌خوری، نگاه آقای خاتمی به افرادی مانند ظریف و البرزی بود که تحت تأثیر عوامل چپ به آن‌ها اعتماد نداشت. برای من نیروی زیادی برد تا آقای خاتمی را قانع کنم که آن‌ها افرادی توانا و قابل اعتمادند و جزو سرمایه‌های وزارت خارجه محسوب می‌شوند. در واقع داستان باند نیویورک هم از همین جانشی می‌شد.

یکی دیگر از دل‌خوری‌های من گرایش آقای خاتمی به اداره وزارت خارجه به صورت مشارکتی بود. به همین جهت ایشان اصرار داشتند که معاونین سیاسی وزارت خارجه به صورت هفتگی همراه اینجانب با ایشان جلسه داشته باشیم تا در آن جلسه نسبت به مسائل سیاست خارجی بحث شود و تصمیمات مقتضی اتخاذ گردد. در حالی که من با این روش مخالف بودم که تصمیمات سیاست خارجی به صورت مشارکتی اتخاذ شود و این روش را موجب تضعیف وزیر می‌دانستم. علاوه بر این که نظرات رهبری در سیاست خارجی نافذ بود و ایشان نسبت به برخی از افراد وزارت خارجه نظر مثبتی نداشتند.

در یکی از جلساتی [جلسه‌ای که در تاریخ ۱۹ مرداد ۷۷ به دعوت آقای خاتمی تشکیل شده بود] که آقای خاتمی از معاونین و اینجانب دعوت کرده بودند؛ به تندی در حضور همه گفتند در وزارت خارجه کاری انجام نمی‌شود و نسبت به انتصاب صادق خرازی به معاونت آموزش و پرورش اعتراض داشتند (گرچه بعداً برای ایشان ثابت شد که انتخاب صادق به دلیل توانایی مدیریتی بالایی که در استفاده از نیروهای برجسته دارد، درست بوده است). آقای خاتمی همچنین گفت برگزاری دو هفته یک بار چنین جلسه‌ای را از شما خواسته بودم و شما اقدامی نکرده‌اید. من که اعصابم از قبل به دلیل فشارهای وارده بر وزارت خارجه خرد بود و انتظار نداشتم آقای خاتمی هم این‌گونه در حضور معاونین برخورد کند، از کوره در رفتم و به اعتراض گفتم این‌گونه نمی‌توان وزارتخانه اداره کرد و از ایشان خواستم شخص دیگری را معرفی کنند که بتوانند وزارت خارجه را به‌صورت مشارکتی اداره کند و جلسه را ترک کردم. آقای خاتمی انتظار این نوع برخورد را نداشت و خیلی ناراحت شده بود.

به هر صورت روز بعد با وساطت اطیخی و برخی از معاونین با ایشان ملاقات و ضمن عذرخواهی با ایشان آشتی کردم و گفتم فشار بر وزارت خارجه زیاد است و عصبانیت من از این بود که شما گفتید کاری در وزارت خارجه انجام نمی‌گیرد. ایشان هم ضمن عذرخواهی گفت من قصد دخالت در وزارت خارجه را ندارم و سلیقه متفاوت من نباید مخالفت با شما تلقی شود. ایشان ادامه دادند که اعتماد من به شما از همه پیش‌تر است، ولی احساس نیاز می‌کنم که نسبت به مسائل کلان سیاست خارجی بیش‌تر توجه بشوم. من گفتم این اشکالی ندارد، ولی به نحوی نباشد که موجب تضعیف مدیریت من شود؛ زیرا ظرفیت همه یکسان نیست و برخی سوءاستفاده می‌کنند. در عین حال این پیام به ایشان منتقل شد که روش کار من مشارکتی نیست، هر چند مسائل را در شورای معاونین به بحث می‌گذارم و نظرات معاونین را دریافت می‌کنم، ولی تصمیم نهایی را خودم با هماهنگی رئیس جمهور و احیاناً رهبری خواهم گرفت. به هر صورت در این جلسه قرار شد آقای منفرد جلساتی را برای انجام بحث‌های کلان نزد آقای خاتمی تنظیم کند و به تناسب موضوع از افراد دعوت شود.»

خرازی در ابتدای دوران مسئولیتش در جلب رضایت رهبران نظام نیز موفقیت نداشت. هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات ۵ مهر ۱۳۷۹ نوشته است: «شب میهمان رهبری بودم. درباره ضعف عملکرد دادگاه انقلاب، وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه مذاکره شد. ایشان از سفر آقای [کمال] خرازی [وزیر امور خارجه] به آمریکا، با این وضع راضی نیست.» همه اینها بیانگر این است که خرازی در این سال‌ها در حاشیه قرار گرفته بود و نمی‌توانست نقش وزیر امور خارجه را آنگونه که خواست رئیس جمهور و رهبری بوده ایفا کند.

شهادت اعضای کنسولگری ایران در مزار شریف توسط نیروهای طالبان در ۱۷ مرداد ۱۳۷۹ یکی از اتفاقات ناگوار سیاست خارجی بود که در همین دوره اتفاق افتاد و انتظار می‌رفت ایران به آن واکنش نشان بدهد. هم‌زمان متحدان ایران در افغانستان نیز که در حال شکست از طالبان بودند انتظار داشتند ایران به نفع آنان وارد جنگ در افغانستان شود. روزنامه کیهان سال گذشته ادعا کرد که دولت سیدمحمد خاتمی به‌دنبال جنگ با طالبان بوده است که کمال خرازی در اظهارنظری کم‌سابقه بخشی از خاطرات روزانه خود را منتشر کرد. خرازی در این خاطره نوشته است: «امروز جلسه دبیرخانه شورایی داشتیم. دو تن از برادران سپاه، در نجف‌آبادی و پورمحمدی از اطلاعات، من و بروجردی از وزارت خارجه و لاریجانی از صداوسیما در این جلسه حضور داشتند. لاریجانی و برادران سپاه مدافع دخالت نظامی و آزادسازی هرات بودند و اعتقاد داشتند که با چند گردان می‌توان از نیروهای خودی محافظت کرد. من پرسیدم که برای چه در افغانستان دخالت نظامی کنیم. هدف ما باید نگهداری مرزهایمان باشد و از موضع قدرت به کار سیاسی بپردازیم. در حالی که بحث شدیدی درگرفته بود، صداها بلند و فضای جلسه هیجانی بود، آقای حجازی سر رسید و پیام رهبری را بدین صورت بازگو کرد که: «من به‌هیچ‌وجه به این تصمیم نرسیده‌ام که کشور را وارد جنگ کنم. آنچه من

«صبح روز پنج‌شنبه مورخ ۷۷/۲/۱۰ ساعت ۹:۳۰ دفتر وزیر اطلاع دادند که به‌اتفاق آقای دکتر خرازی و معاونان سیاسی با آقای رئیس جمهور ملاقات داریم. ساعت ۱۱ در دفتر ایشان حاضر شدیم، علاوه بر بنده دکتر خرازی، آقای سرمدی، آقای امین‌زاده، آقای ظریف و آقای منفرد هم حضور داشتند. آقای خاتمی پس از حضور در جلسه با لحن نسبتاً تندی به آقای دکتر خرازی گفت که من مدت‌هاست که منتظر این جلسه هستم ولی تشکیل نمی‌شود. ظاهراً من باید مشاوره در باب سیاست خارجی را در جای دیگری انجام دهم. دکتر خرازی که قدری منفعل شده بود تقصیر را به گردن دفتر رئیس جمهوری انداخت و گفت آنها وقت را تنظیم نمی‌کنند. لازم است بگویم آقای خاتمی مایل بود هفته‌ای یک بار در روزهای پنجشنبه با وزیر و معاونان سیاسی وزارت امور خارجه جلسه داشته باشد، ولی دکتر خرازی به‌طور جدی این موضوع را دنبال نمی‌کرد و علت آن را نمی‌دانم. آقای خاتمی چند بار این موضوع را با خود من مطرح کرد و گفت چرا دکتر خرازی در این زمینه فعال نیست. ماجرای عدم تشکیل جلسات اما به همین جا ختم نشد. جلسات که به خواست رئیس جمهوری بنا بود هر هفته برگزار شود دو هفته یک بار هم برگزار نمی‌شد و به دلایل نامشخص آقای خرازی علاقه‌ای به تشکیل آن نداشت. به همین دلیل آقای رئیس‌جمهور تا حدی نسبت به تعلل آقای خرازی دلگرم بود و چندین بار این دلخوری را در همین جلسات بروز داده بود. در جلسه دوشنبه ۷۷/۵/۱۹ نیز آقای خاتمی مطلبی بر همین منوال بیان داشت و در ابتدا اظهار کرد که وزارت خارجه در گذشته یک جمع منفعل، غیرکارا و فامیلی بود که کار مثبتی انجام نمی‌داد و به همین دلیل تغییراتی در آن ایجاد شد و تعدادی از مدیران از خارج از وزارت خارجه و تعدادی از داخل به مسئولیت برگزیده شدند تا تغییراتی اساسی در آن ایجاد شود. اکنون نزدیک به یک سال از آن تغییراتی می‌گذرد و می‌خواهیم ببینیم در این مدت چه کرده‌ایم. آیا جز موج‌آفرینی کاری کرده‌ایم؟ من احساس می‌کنم که کم‌کم داریم موج ایجادشده را از دست می‌دهیم. نتیجه ۱۰ سال کار در افغانستان چه شد؟ افغانستان از دست‌مان رفت. پاکستان هم دارد می‌رود. من به همین دلیل معتقدم که ۱۵ روز یکبار دور هم جمع شویم و درباره مسائل مختلف تصمیم‌گیری کنیم. باید دولت مسائل سیاست خارجی را تصویب کند نه شورایی امنیت ملی. ما اگر کاری نکنیم همه مجتهد هستند و آنها انجام می‌دهند. من غیر از شماها کسی را ندارم. البته می‌شود افرادی غیر از شما را دعوت کرد. شاید هم لازم باشد. شاید هم لازم باشد شورای سیاسی دولت مثل گذشته تشکیل شود. دکتر خرازی که در تمام طول صحبت آقای خاتمی ناراحت بود و به خود می‌پیچید، گفت: ما آماده تشکیل جلسه هستیم اما شما وقت ندارید. آقای خاتمی با لحن جدی گفت: من وقت ندارم؟ این چه حرفی است که می‌زنید. من دائماً اعلام کرده‌ام که حاضریم هر ۱۵ روز یکبار جلسه را تشکیل دهم تا ببینم شما چه می‌کنید. آقای خرازی گفت: ما خیلی کارها انجام داده‌ایم اما شما خبر ندارید. آقای خاتمی پاسخ داد:

پس چرا گزارش آن را نمی‌دهید؟ این جلسه هم برای همین است. کجاست آن کارهای بزرگ؟ آقای خرازی در این وقت با حالت بسیار بد و خارج از نزاکت بلند شد و گفت: اینطوری نمی‌شود کار کرد. خوب است فرد دیگری را انتخاب کنید و جلسه را ترک کرد. آقای خاتمی با وجود اینکه ناراحت بود ولی خود را کنترل کرد و به روی خود نیامورد. ولی مشخص بود از این کار بسیار رنجیده شده است. چند دقیقه‌ای جلسه ادامه یافت و صحبت‌های معمول انجام شد. در زمان پایان جلسه آقای ظریف به آقای خاتمی گفت: دکتر خرازی مدتی است که اعصابش خیلی خرد است و خوب است شما ناراحت نشوید. آقای خاتمی که خود را تا آن لحظه کنترل کرده بود با صدای بلند گفت: معلوم است که اعصابش خرد است. وقتی ایشان نمی‌داند برای یک مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی چه کسی را انتخاب کند باید اعصابش خرد باشد. این همه آدم علمی در مملکت داریم آن وقت ایشان کسی را انتخاب می‌کند که به‌شدت عصبانی بود اتاق را ترک کرد. با شنیدن مطالب فوق، همگی متوجه شدیم که آقای خاتمی نسبت به انتصاب در معاونت پژوهشی و آموزشی در وزارت امور خارجه اعتراض دارد و این اعتراض را قبل از شروع جلسه به آقای خرازی منتقل کرده است. با رفتن آقای خاتمی واقعاً نمی‌دانستیم چکار کنیم، زیرا اتفاق بدی افتاده بود. یک وزیر به رئیس‌جمهور نجیب و بیست میلیونی اهانت کرده بود و ما پنج نفر (امین‌زاده، منفرد، سرمدی، ظریف و من) شاهد ماجرا بودیم. همگی آرزو می‌کردیم این برخورد در حضور ما صورت نمی‌گرفت، ولی چنین نشد.»

خود کمال خرازی نیز در کتاب «خاطرات و خطرات» که خاطراتش را بازگو کرده این واقعه را اینگونه بیان می‌کند: «از موارد دل‌خوری، رفتار افرادی بود که از نزدیکان آقای خاتمی محسوب می‌شدند و من آن‌ها را به‌عنوان معاونین وزارت خارجه منصوب کرده بودم. متأسفانه آقای خاتمی خیلی تحت تأثیر این افراد از جمله محسن امین‌زاده و سیدمحمد صدر بودند. آن‌ها سعی داشتند افراد دیگری را که در جناح آن‌ها نبودند از صحنه خارج سازند. ریشه اختلاف با آقایان با محمود واعظی که از جناح راست محسوب می‌شد در همین بود که سرنجام هم منجر به این شد که وی وزارت خارجه را ترک کند. این در حالی بود که مبنای انتخاب معاونین توسط

موقعیت خرازی در دولت احمدی‌نژاد چندان موثر نبود اما با آغاز دولت حسن روحانی جایگاه او به‌عنوان یکی از مسئولین عالی‌رتبه سیاست خارجی

تثبیت شد و سفرهای گاه و بیگاه او به نمایندگی از نظام آغاز شد. سفرهایی که موجب شائبه‌هایی در مورد نقش و جایگاه وزارت خارجه نیز شد تا جایی که خرازی پس از یکی از همین سفرها، مجبور به موضع‌گیری شد و در این رابطه گفت: این سفر که با هماهنگی وزارت خارجه نیز شد

تأثیرگذاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر منطقه نشان می‌داد. متأسفانه برخی افراد از اخبار این سفر سوءاستفاده کرده؛ این سفر و سفرهای جناب شورایی امنیت ملی (شمام) را ناهماهنگ با وزارت خارجه تلقی کردند که نشان می‌دهد از برنامه‌های هماهنگ کشورمان در زمینه روابط خارجی ناآگاهند.

خود کمال خرازی نیز در کتاب «خاطرات و خطرات» که خاطراتش را بازگو کرده این واقعه را اینگونه بیان می‌کند: «از موارد دل‌خوری، رفتار افرادی بود که از نزدیکان آقای خاتمی محسوب می‌شدند و من آن‌ها را به‌عنوان معاونین وزارت خارجه منصوب کرده بودم. متأسفانه آقای خاتمی خیلی تحت تأثیر این افراد از جمله محسن امین‌زاده و سیدمحمد صدر بودند. آن‌ها سعی داشتند افراد دیگری را که در جناح آن‌ها نبودند از صحنه خارج سازند. ریشه اختلاف با آقایان با محمود واعظی که از جناح راست محسوب می‌شد در همین بود که سرنجام هم منجر به این شد که وی وزارت خارجه را ترک کند. این در حالی بود که مبنای انتخاب معاونین توسط

خود کمال خرازی نیز در کتاب «خاطرات و خطرات» که خاطراتش را بازگو کرده این واقعه را اینگونه بیان می‌کند: «از موارد دل‌خوری، رفتار افرادی بود که از نزدیکان آقای خاتمی محسوب می‌شدند و من آن‌ها را به‌عنوان معاونین وزارت خارجه منصوب کرده بودم. متأسفانه آقای خاتمی خیلی تحت تأثیر این افراد از جمله محسن امین‌زاده و سیدمحمد صدر بودند. آن‌ها سعی داشتند افراد دیگری را که در جناح آن‌ها نبودند از صحنه خارج سازند. ریشه اختلاف با آقایان با محمود واعظی که از جناح راست محسوب می‌شد در همین بود که سرنجام هم منجر به این شد که وی وزارت خارجه را ترک کند. این در حالی بود که مبنای انتخاب معاونین توسط

خود کمال خرازی نیز در کتاب «خاطرات و خطرات» که خاطراتش را بازگو کرده این واقعه را اینگونه بیان می‌کند: «از موارد دل‌خوری، رفتار افرادی بود که از نزدیکان آقای خاتمی محسوب می‌شدند و من آن‌ها را به‌عنوان معاونین وزارت خارجه منصوب کرده بودم. متأسفانه آقای خاتمی خیلی تحت تأثیر این افراد از جمله محسن امین‌زاده و سیدمحمد صدر بودند. آن‌ها سعی داشتند افراد دیگری را که در جناح آن‌ها نبودند از صحنه خارج سازند. ریشه اختلاف با آقایان با محمود واعظی که از جناح راست محسوب می‌شد در همین بود که سرنجام هم منجر به این شد که وی وزارت خارجه را ترک کند. این در حالی بود که مبنای انتخاب معاونین توسط

خود کمال خرازی نیز در کتاب «خاطرات و خطرات» که خاطراتش را بازگو کرده این واقعه را اینگونه بیان می‌کند: «از موارد دل‌خوری، رفتار افرادی بود که از نزدیکان آقای خاتمی محسوب می‌شدند و من آن‌ها را به‌عنوان معاونین وزارت خارجه منصوب کرده بودم. متأسفانه آقای خاتمی خیلی تحت تأثیر این افراد از جمله محسن امین‌زاده و سیدمحمد صدر بودند. آن‌ها سعی داشتند افراد دیگری را که در جناح آن‌ها نبودند از صحنه خارج سازند. ریشه اختلاف با آقایان با محمود واعظی که از جناح راست محسوب می‌شد در همین بود که سرنجام هم منجر به این شد که وی وزارت خارجه را ترک کند. این در حالی بود که مبنای انتخاب معاونین توسط

خود کمال خرازی نیز در کتاب «خاطرات و خطرات» که خاطراتش را بازگو کرده این واقعه را اینگونه بیان می‌کند: «از موارد دل‌خوری، رفتار افرادی بود که از نزدیکان آقای خاتمی محسوب می‌شدند و من آن‌ها را به‌عنوان معاونین وزارت خارجه منصوب کرده بودم. متأسفانه آقای خاتمی خیلی تحت تأثیر این افراد از جمله محسن امین‌زاده و سیدمحمد صدر بودند. آن‌ها سعی داشتند افراد دیگری را که در جناح آن‌ها نبودند از صحنه خارج سازند. ریشه اختلاف با آقایان با محمود واعظی که از جناح راست محسوب می‌شد در همین بود که سرنجام هم منجر به این شد که وی وزارت خارجه را ترک کند. این در حالی بود که مبنای انتخاب معاونین توسط

خود کمال خرازی نیز در کتاب «خاطرات و خطرات» که خاطراتش را بازگو کرده این واقعه را اینگونه بیان می‌کند: «از موارد دل‌خوری، رفتار افرادی بود که از نزدیکان آقای خاتمی محسوب می‌شدند و من آن‌ها را به‌عنوان معاونین وزارت خارجه منصوب کرده بودم. متأسفانه آقای خاتمی خیلی تحت تأثیر این افراد از جمله محسن امین‌زاده و سیدمحمد صدر بودند. آن‌ها سعی داشتند افراد دیگری را که در جناح آن‌ها نبودند از صحنه خارج سازند. ریشه اختلاف با آقایان با محمود واعظی که از جناح راست محسوب می‌شد در همین بود که سرنجام هم منجر به این شد که وی وزارت خارجه را ترک کند. این در حالی بود که مبنای انتخاب معاونین توسط